

نمای دور

جشنواره‌ای در نقد سیاست‌های ایالات متحده

مجید مونتقی

● چندی پیش خرمایزان جشنواره کن به پایان رسید و «هفتادویکمین خرمای طلایی» به کام یک کارگردان ژاپنی شیرین شد. «هیروکازو کوریندا»، فیلم‌ساز کاربلدی است که در خلق موقعیت‌های نو، به‌ویژه کار با کودکان مشهور است. او در سال ۲۰۱۳ نیز با فیلم «پسر کو ندارد نشان از پدر Like Father Like son» برنده جایزه هیئت داوران جشنواره کن شد؛ اما این‌بار با فیلم قابل‌تأمل «زدان فروشگاه-Shoplifters» برنده نخل طلای این رویداد بزرگ سینمایی شد. در «زدان فروشگاه» اعتراض فیلم به نظام سرمایه‌داری با نشان‌دادن مصائب قشر بی‌بضاعت جامعه تحسین‌برانگیز است. فیلم‌ساز در به‌جانش‌کشاندن غم نان و نقد سیاست‌های روز جامعه به رشد قابل‌توجهی در روایت رسیده و همدردی شاعرانه‌ای با قشر بی‌دفاع و آسیب‌پذیر جامعه دارد. در زیرمٔن فیلم، ناسامانی کودکان بی‌پناهی مورد هدف قرار گرفته که برای بقای خویش مجبور به دزدی هستند و این در حالی است که در کشوری مانند ژاپن زندگی می‌کنند که خود یکی از قطب‌های اقتصادی دنیا به شمار می‌آید. فیلم‌نامه و کارگردانی این فیلم مانند آثار پیشین «هیروکازو کوریندا» فکرشده و تأثیرگذار است و همین فضاسازی واقع‌گرایانه، زنده‌بودن عناصر سینمایی و بازی‌های درخشانی که در این فیلم وجود داشته، هیئت داوران را مصمم به دادن نخل طلا به این فیلم کرده است.

مانیفست سیاسی- اجتماعی «کتاب تصویر» آخرین اثر «ژان لوک گدار» نیز تحسین همگان را در حساسیت فیلم‌ساز به مشکلات و مصائب روز جهان برانگیخت و به همین دلیل یک نخل طلای ویژه برای گدار ۸۸ ساله که آتارش با حافظه سینمای فرانسه و جشنواره کن گره خورده است در نظر گرفته شد. «ماتئو کارونه» که با فیلم «واقعیت - Reality» در سال ۲۰۱۲ جشنواره کن درخشان ظاهر شد، امسال با فیلم «مرد سگی -Dogman» یکی از بهترین‌های این دوره از جشنواره کن را به نام خود رقم زد و خیلی‌ها نخل طلا را در دستان این فیلم‌ساز ایتالیایی می‌دیدند که در انتها «مارچلو فونته» جایزه بهترین بازیگری مرد جشنواره را با خود به ایتالیا برد. در بخش بازیگری زن «سامال یسلیاموو» برای فیلم «آپکا-Ayka» بحق برنده این جایزه شد؛ نقشی که زندگی یک زن قزاق به نام «آپکا» را در مسکو نشان می‌دهد که روزگار سختی را در این شهر بدون مجوز کار سپری می‌کند.

امسال گره‌ای‌ها با فیلم «سوختن-Burning» نظر تماشاگران سخت‌گیر سینما را به خود جلب کردند و «اتحادیه خبرنگاران و منتقدان بین‌المللی سینما»، جایزه مشهور خود، «فیرشی» را به این فیلم خوب اهدا کرد. جایزه بهترین کارگردانی نیز به فیلم «فرزیکال» جنگ سرد-Cold War رسید. فضاسازی، فیلم‌برداری و بازی‌های خوب این فیلم این جایزه را برای «پاول پاولیکوفسکی» به ارمغان آورد. این فیلم‌ساز لهستانی در سال ۲۰۱۴ نیز برای فیلم «آیدا-Aida» برنده یک اسکار شد. «نادین لبکی»، کارگردان زن لبنانی، نیز برای فیلم «گفر-ناجوم» که بازی در درخشان نوجوانی به نام «زین الرفیع» برنده جایزه ویژه هیئت داوران شد. او در این فیلم زندگی هولناک پسرپچه‌ای را به تصویر می‌کشد که درد و مصائب جنگ از او آدمی بالغ ساخته است.

مدتی است که جشنواره‌های الف دنیا مانند «کن، ونیز، کارنسو و برلین» بعد از شکل‌گیری و به‌قدرت‌رسیدن جمهوری‌خواهان در ایالات متحده، فیلم‌هایی را در جهت نقد سیاست‌های روز دنیا نشان می‌دهند که امسال «اسپایک لی» با فیلم «نژادپرست سایه‌پوست» فیلم «ضدتارمپی جشنواره» را به نام خود رقم زد و برنده جایزه بزرگ جشنواره شد. فیلم روسی «تاستان-Leto» ساخته «کریل سربرتنیکوف» نیز یکی از فیلم‌های موزیکال خوبی بود که موضوع آن مربوط به «جریان موزیک راک» در دهه ۸۰ میلادی در «شوروی سابق» بود که نظر خیلی‌ها را به خود جلب کرد. در این دوره آخرین ساخته «نوری بیگلکه جیلان» بی‌جایزه ماند. طولانی‌بودن فیلم و همچنین یکدست‌نبودن موتاژ آن این اثر شاعرانه را کمی خسته‌کننده کرده، اما مشخص است که ارادت «نوری بیگلکه جیلان» به ادبیات و شخصیت‌های خجوفی هنوز پابرجاست. به نظر می‌رسد که «درخت گلایی وحشی» به‌نوعی ادامه همان فیلم قبلی او «خواب زمستانی» باشد که در سال ۲۰۱۴ برنده نخل طلای کن شد.

مرکز آموزش سفیر برگزار می کند

دوره‌های قوانین صدور بلیت‌های

بین المللی جهت پرسنلی آژانس‌ها و ایرلاین‌ها

مسول خانم هنرجی

تلفن ۰۲۱۸۸۷۶۲۹۰۰

۷ فکر کنم سال ۷۶ آمیز قلمدون را برای اولین بار اجرا کرده‌اید. چطور شد که به فکر اجرای دوباره آن افتاده‌اید؟

چند دلیل دارد. یکی این بود که من حس کردم از جریان رادی و آثار او یکی، دو سالی است که دور افتاده‌ام؛ بنابراین گفتم بهتر است که یک متن از او کار کنم و حتی بعد از این هم باز متن دیگری را رادی را کار خواهیم کرد. دوم اینکه نسل تئاترین امروز عوض شده است و برخی از این جوان‌ها در آن سال‌ها این کار را ندیده‌اند و سوم اینکه با توجه به شرایط فعلی جامعه افرادی مثل آقای شکوهی (شخصیت اصلی متن) در جامعه ما تعدادشان زیاد شده است و اینها باعث شد که آمیز قلمدون را دوباره اجرا کنم.

۷ چه ویژگی‌هایی در این نمایش‌نامه رادی هست که آن را در مقایسه با دیگر متونش متفاوت می‌کند؟

به استناد آنچه رادی در این متن می‌گوید و آنچه ما خودمان این روزها بنابر اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد، می‌بینیم به‌هرحال الان دارد خلاف‌هایی می‌شود؛ به‌ویژه در سطح اداره و مسائل دولتی که خیلی هم از خط قرمزها عبور می‌شود که بهتر است بگوییم از روی آنها پرش می‌شود که مثلا میلیاردها مثل آب خورده می‌شود و در این شرایط است که افرادی مثل شکوهی دارند به پاک‌ی زندگی می‌کنند و به قول او با آنکه در یک‌قدمی این‌ خطوط قرمز هم بوده‌اند؛ اما از عبور نگذرده‌اند که اگر یکی قدم می‌گذاشتند، حتما در آخر عمر دچار مصیبت و بدبختی نمی‌شدند. درواقع زنده‌یاد رادی در آمیز قلمدون درباره صداقت می‌گوید و صداقت را پای میز محاکمه می‌کشد که آقای صداقت، اگر از این خطوط قرمز عبور نکنی، می‌توانی زندگی‌ات را در آخر عمر تأمین کنی؟ الان هم در جامعه ما بسیاری هستند که مثل شکوهی‌اند؛ به‌ویژه هنرمندانی که نه هنرشان را فروخته‌اند و نه اندوخته‌ای دارند؛ بلکه در آخر عمر به‌سختی زندگی‌شان دارد سپری می‌شود.

به‌همین‌دلیل آمیز قلمدون را کار کردم تا آدم‌هایی مثل شکوهی بیایند و این‌ کار را ببیند و از آن تسلا بگیرند.

۷ آیا درباره اجرای ۲۱ سال پیش در شکل و شیوه اجرا تغییراتی داده‌اید؟

یک مقدار متن کوتاه‌تر شده است و در زمانی که زنده‌یاد رادی هم در آن اجرای قبلی بودند، گفتم که یک مقدار از متن را حذف کرده‌ام که ایشان لطف کرد و - خدا رحمتش خلد- حافظه تمدن انسان» به ثبت و بسته به کارت هر طوری که می‌خواهی، با متن رفتار کن. البته من هم تاآنجایی‌که لطمه‌ای به متن نخورد،

هنر

گفت‌وگو با هادی مرزبان، کارگردان نمایش آمیز قلمدون

ماندن پشت خطوط قرمز



عکس از هادی مرزبان

رضا آشفته: این روزها ساعت ۲۱ هادی مرزبان دارد متن آمیز قلمدون اکبررادی را با بازی ایرج راد و فرزانه کابلی اجرا می‌کند. آمیز قلمدون نمایش‌نامه‌ای از اکبر رادی است، نوشته به سال ۱۳۷۱ که اولین اجرایش در ۱۳۷۳ برای ضبط تلویزیونی سر گرفت. بعدها در سال ۱۳۷۶ هادی مرزبان این نمایش‌نامه را در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر به صحنه برد. پیرمردی بازنشسته و اهل فرهنگ و ادب به نام «آقای شکوهی»، بیش از ۴۰ سال است که با همسرش «شوکت»، زندگی ساده و بدون تجملی دارند. آنها دو دختر به نام‌های «ماندانا» و «رکسانا» دارند که هر یک پس از ازدواج بی زندگی خود رفته‌اند و مشکلات و گرفتاری‌های خاص خود را دارند. خانم شکوهی که از یکنواختی زندگی خسته شده است، تصمیم گرفته به خارج از کشور سفر کند. آقای شکوهی هم تمام دلخوشی‌اش، موفقیت‌های دوران کارمندی و مرور خاطرات شیرین گذشته است و این واقعیت مهم که هرگز در دوران کارمندی از موازین اخلاقی خود خارج نشده و همواره کارمندی صدیق و درستکار بوده است. از طرفی آنها همسایه‌ای فضول و ثروتمند به نام «حشمت» دارند که مدام خانم شکوهی را درباره زندگی ساده‌شان تحریک می‌کند. آقای شکوهی که عشق و علاقه‌ای زلال و بی‌چون‌وچرا به همسرش «شوکت» دارد، در فصل پایانی نمایش، شاخه گلی را که در باغچه پرورش داده، به همسرش هدیه می‌کند و برای همیشه خاموش می‌شود.

در آن تغییراتی داده‌ام.

۷از کجا حذف شده است؟

در آن موقع من از صحنه کابوس حذف کرده بودم که الان اتفاقا به‌گونه‌ای آن را به طور خلاصه‌تر آورده‌ام.

۷کدام صحنه؟

صحنه پیشکار.

۷همان که درگوشی به آقای شکوهی پیشنهاد رشوه می‌شود؟

بله.

۷آیا با بودن کابوس و شکل رؤیا می‌شود گفت که این متن از آن حالت واقع‌گرایانه صرف دور شده و چیزی خلاف‌آمد آثار کلی رادی است؟

البته این صحنه رؤیا کاملا با آن دو صحنه دیگر

سمفونی شماره ۹بتهوون

صدای آرمانی انسان

از بیانه‌های دیدگاه روشنگری شناخته شده بود. از همان زمان بتهوون جوان عمیقاً تحت‌تأثیر این شعر کلایسیک خلق شده است. این اثر بین سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۴ میلادی نوشته و برای اولین‌بار در ماه می ۱۸۲۴ در وین اجرا شده است. نسخه اصل دست‌نویس این سمفونی که در کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود، نخستین دست‌نوشته موسیقی است که در سال ۲۰۰۱ توسط سازمان ملل در فهرست جهانی «حافظه تمدن انسان» به ثبت رسیده که دلیلی است بر جایگاه عالی این اثر در گنجینه موسیقی کلاسیک.

از همان نخستین اجرای سمفونی نهم، بتهوون به چنان تحسین و ستایشی روبه‌رو شد که او را به یک قهرمان ملی فرازمینی بدل کرد و از دید ستایشگران شب جایگاه او را بسیار بالاتر از دولتمردانی که صرفاً در پی قبضه‌کردن قدرت بودند قرار داد و مرگ او در ۲۶ مارس ۱۸۲۷ جلودانگی نامش را رقم زد. مراسم تدويع او که سه روز پس از مرگش در وین برگزار شد، یکی از بزرگ‌ترین وقایعی است که در تاریخ این شهر به یاد مانده است. بنا بر گزارش‌های به‌جامانده، مدارس تعطیل شده بود و سربازان از پادگان‌های محلی برای حفظ نظم عمومی فراخوانده شده بودند. جمعیتی بین ۱۰ تا ۳۰ هزار نفر در بیرون خانه بتهوون گرد آمده بودند.

به نوشته یکی از گزارش‌گران، «چنین مراسم تشییعی برای هیچ امپراتور اتریشی‌ای برگزار نشده بود». این هراسم که از طرف جامعه فرهیختگان شهر وین ترتیب داده شده بود، بزرگداشتی بود از یکی از عالی‌قدرترینشان؛ مراسمی که از هر گروه و گرایش سیاسی در آن شرکت کرده بودند تا از او به‌عنوان بزرگ‌ترین موسیقی‌دان دوران مدرن تجلیل کنند. تنها نمایندگان و وابستگان دولت بودند که در آن مراسم حضور نداشتند.

یکی از مهم‌ترین دلایل جاوداین شدن نام بتهوون به‌عنوان آهنگ‌ساز سمفونی نهم نوآوری اوست

در واردکردن صدای انسان در موومان چهارم به صورت ترکیب چهار تک‌خوان و گروه گر به همراهی ارکستر. متن کلام موسیقی آوازی، شعری از فردریک شیلر، شاعر آلمانی قرن هجدهم، است با عنوان «چکامه شادی». این شعر در سال ۱۷۸۵ سروده شده و

چندی پس از آن به‌عنوان یکی در موومان چهارم به صورت ترکیب چهار تک‌خوان و گروه گر به همراهی ارکستر. متن کلام موسیقی آوازی، شعری از فردریک شیلر، شاعر آلمانی قرن هجدهم، است با عنوان «چکامه شادی». این شعر در سال ۱۷۸۵ سروده شده و

این اثر از همان زمان نخستین اجرای آن تا به امروز با تحسین روبه‌رو بوده است که در طول زمان، به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم، با افزایش محبوبیت آن در سراسر جهان تحسین آن تنها نمایندگان و وابستگان دولت بودند که در آن سمفونی نهم، شاید تحت‌تأثیر خوفي که از ابهت این

۷در آن اجرا یک باران داشتید که الان نیست، چرا؟

بله، الان همه از آن باران یاد می‌کنند و من می‌خواستم در این اجرا استفاده بهتری کنم و آقای شکوهی و همسرش را در پایان اجرا زیر باران قرار دهم که بازیگرا زیاد موافق نبودند چون می‌گفتند احتمال دارد سرما بخوریم و اجرا قطع شود و من هم در نهایت پذیرفتم که بارانی نباشد.

۷حال هوای تمرین‌ها پس از ۲۱ سال چگونه بود؟

آن دو بازیگر که دیگر دیالوگ‌هایشان را از یاد برده بودند بنابراین باید دوباره تمرین می‌کردیم و برای همین وقت بیشتر می‌گذاشتم هرچند دیگر بازیگران هم به نسبت برای بهترحاضرشدن تمرین‌های مناسبی داشتند. فکر می‌کنم این بازیگران در آینده نزدیک جزء بهترین‌ها باشند.

۷در این روزهای فوتبالی جذب مخاطب برای تئاتر چگونه است؟

روزی رادی کن من گفت مرزبان زیاد خودت را ناراحت نکن برای گیشه و تماشاجی و هیچ‌وقت علاقه‌مندان و بچه‌های تئاتری از تئاتردیدن دست برنمی‌دارند. همین که پنج نفر هم هر شب بیایند، کافی است و ارزش دارد به آن ۴۰۰نفری که قرار است سالن را فقط پر کنند. اینها عاشق‌اند و ارزشمند. این روزها به ناچار تب فوتبال همه جا را گرفته و من هم همه سالن‌ها را دارم رصد می‌کنم که دارند خلوت‌تر می‌شوند و ما هم مثل بقیه دچار این وضعیت هستیم. اما سه روز اول اجراایمان را سپری کرده‌ایم. فکر می‌کنم انتهایی که تئاترهای ما را دنبال می‌کنند، حتما به دیدن این کار می‌آیند.

۷پایان کار بسیار غم‌انگیز است، چگونه می‌شود حل و همضش کرد؟

نمی‌شود کاری کرد... چند شب پیش دختری ۳۰ساله با چشمان گریان آمد پشت صحنه که آقای مرزبان باعث شدید من پدرم را بهتر بفهم و امشب برای بار دوم اما با پدرم آمده‌ام کار را ببینم و حتما باز هم می‌آیم که هرگز پدرم را فراموش نکنم. من هم از این همه گریه متقلب شده بدمدم و این پایان تراژدی کار است اما به قول رادی ایمن می‌تواند یک تولد و آغاز باشد؛ چنانچه او نام پرده اول را چنین، پرده دوم را رؤیا و پرده سوم را تولد نامیده است؛ این تولدی برای همسر شکوهی است که پس از مرگ آقای شکوهی تازه متوجه می‌شود که انسان بزرگواری را از دست داده و هدف این متن هم این تولد دوباره برای مخاطبان است که متوجه والدین و آدم‌های دوروبرشان باشند.

این اوج، موسیقی تنها لحظه‌ای به پس می‌نگرد و ناگهان صدای تنها آه‌خواننده باس گشایش بخش آوازی را اعلام می‌کند.

همه این برنامه‌ریزی به وسیله موسیقی ارکستر برای رسیدن به قسمت آوازی موومان و خود پیام شعر شیلر در خدمت ایده‌ای است که بتهوون بیان آن را هدف این سمفونی قرار داده است: دعوت برای به‌دورافکندن روش‌های گذشته و روی‌کردن به آرزاهای نو ظهور برادری و همبستگی میان انسان‌ها. به این لحاظ موسیقی بخش کُرال از برج‌عاجی‌که موسیقی سه بخش پیشین در آن قرار دارند به زیر آمده و مطلقاً در خدمت بیان پیام چکامه شادی قرار گرفته است. به این دلیل موسیقی این بخش با همه عظمتی که به شنونده القا می‌کند، هم از لحاظ ساختار ترکیبی آن و هم از لحاظ ملودی اصلی که بخش آوازی این موومان بر آن بنا شده، بسیار ساده‌تر از سه موومان پیشین این سمفونی است. به دلیل این سادگی است که بسیاری از منتقدان موسیقی‌شناس موومان آخر سمفونی نهم را کم‌ارزش‌تر از دیگر موومان‌های آن ارزیابی کرده‌اند، بی‌توجه به آنکه هدف بخش کُرال در درجه اول به‌گوش‌رساندن یک آرمان «انسانی» است؛ آرمانی که نزدیک به ۴۰ سال، از زمان نوجوانی بتهوون، ضمیر او را تسخیر کرده بود. آرمانی که از عصر روشنگری سرچشمه گرفته و در وقایع اجتماعی و سیاسی دو دهه آخر قرن هجدهم در فرانسه و آمریکا و همچنین در نوشته‌های فلسفی و آثار هنری آن دوران تجسم یافته بود. آرمان‌هایی از عهد قدیم و قیود آن که انسان‌ها را اسیر کرده بود و روی‌کردن به سوی آینده‌ای که برابری و برادری میان انسان‌ها شعار آن بود.

در قرن نوزدهم دولت‌های بورژوازی آلمان زندگی و اقتصاد این آهنگ‌ساز بزرگ ناشنوا را به چشم اسطوره می‌نگریستند. انسانی که نقص جسمانی‌اش را مقهور کرده و قراردادهای موسیقی کهن را به دور افکنده بود. آنان در او آهنگ‌سازی را می‌دیدند که آرمان‌های آنان درباره تلاش و پیشرفت صورت واقع داده بود. کسی که اراده فردی و اشتیاق برای همبستگی جمعی را در خود تجسم بخشیده بود. در واقع این دوگانگی میان تعهد نسبت به مسئولیت اجتماعی و پایبندی به جنبه فردی خلاقیات هنری است که مجموعه آثار بتهوون را به یک استعاره سیاسی تبدیل کرده است؛ استعاره‌ای که در دوگانگی میان آخرین سمفونی و کوارتت‌های واپسین به وجهی سمبولیک دیده می‌شود.

توضیح

توضیح وتشکر تئاتر باران

پایان یک شکایت و تداوم یک جریان فرهنگی

● گروه هنر: سال گذشته بود که محمد یعقوبی، نویسنده و کارگردان، مطلبی را درباره تئاتر باران در روزنامه «شرق» منتشر کردند که منجر به شکایت این مؤسسه فرهنگی از روزنامه «شرق» شد که بنا بر وظیفه حرفه‌ای و اخلاقی، روزنامه یپوزش و توضیحی را در این زمینه منتشر کرد. اینک تئاتر باران در ادامه متنی را درباره پایان‌یافتن این شکایت، به روزنامه «شرق» فرستاده‌اند که می‌خوانید:

در پاسخ به عذرخواهی از تئاتر باران و مدیران آن درخصوص انتشار یادداشت آقای محمد یعقوبی به تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ اعلام می‌نماییم تئاتر باران به‌عنوان یک مرکز معتبر فرهنگی و هنری و به‌عنوان آغازکننده جریان تئاتر خصوصی به‌صورت حرفه‌ای ممکن است علیه بسیاری از فعالان حوزه تئاتر ادعاهایی داشته باشد ولی به‌هیچ‌عنوان محل طرح آنها را روزنامه‌ها و رسانه‌های عمومی نمی‌دانند؛ از این رو طرح هرگونه مطلب توهین‌آمیز، کذب و پیر از افترا علیه خود را برنمی‌تابد. لیکن با توجه به رفتار اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه «شرق» ضمن تشکر از این روزنامه وزین و محبوب و مدیرمسئول محترم آن که با این اقدام فصل نوینی در رعایت اصول اخلاقی را توسط رسانه‌ای عمومی ایجاد کردند و تشکر فراوان از مؤسسه حقوق ارتباطات علامه و وکیل این مجموعه آقای پارسا چکنی برای تشکیل و پیگیری پرونده در محاکم قضائی، از ایشان خواهشمندیم صرفاً نسبت به روزنامه «شرق» پرونده را مخومه کنند.

فهمیه امن‌زاده

خیام وقار کاشانی

مدیران تئاتر باران

زیر آسمان فیر وزهای

اعلام زمان دومین جشن شب نقره‌ای فیلم‌برداران سینمای ایران

● دومین جشن شب نقره‌ای در پاسداشت سال‌ها فعالیت حرفه‌ای زنده‌یاد جمشید الوندی، رضا مجاوری، حسن قلی‌زاده و همایون پایور، روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۷، با حضور فیلم‌برداران و دیگر اهالی سینما برگزار خواهد شد. همچون جشن گذشته، فیلم‌برداران، سینماگران و اهالی سینما گرد هم می‌آیند تا سال‌ها فعالیت مؤثر چند نفر از فیلم‌برداران سینمای ایران را ارج نهند. در دومین جشن شب نقره‌ای زنده‌یاد جمشید الوندی، رضا مجاوری، حسن قلی‌زاده و همایون پایور تجلیل به عمل خواهد آمد.

خروس‌های ایرانی به ترکیه می‌روند

● آثاری از دو هنرمند جوان کشورمان، مهرداد فلاح و علیرضا مجیدی، در یک دوتن دونفره تحت عنوان خروس در artgallery 7 استانبول به نمایش درخواهند آمد . به گزارش روابطعمومی کالری فردا، مهرداد فلاح و علیرضا مجیدی، دو هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز، آثار خود با موضوع خروس را در گالری بین‌المللی artgallery 7 خروس به نمایش خواهند گذاشت. در این نمایشگاه تابلوهای نقاشیخط مهرداد فلاح با موضوع خروس در کنار مجسمه‌های مرغی‌علیرضا مجیدی به مدت یک هفته به نمایش درخواهند آمد. در این نمایشگاه ۲۰ اثر از این هنرمندان به نمایش گذاشته می‌شود. خروس در هنر معاصر دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد؛ از خروس‌های بیکاسو تا خروس‌های مهرداد فلاح و علیرضا مجیدی، همه به این حیوان زیبا و فتوتنیک پرداخته و در آینده باز هم به این موضوع پرداخته خواهد شد، ولی این‌بار و در نمایشگاه «خروس‌نشان» شاهد بروز یک ایده هستییم؛ ایده‌ای برای گفتمان و نه تقابل؛ گفتمایی میان فلز و بوم، میان رنگ و آهن، میان تابلو و مجسمه. فلاح و مجیدی در یک آتلیه کار نمی‌کنند، ولی فکرهایشان به هم نزدیک است. همان رقص قلم بر بوم را که فلاح خلق کرده، مجیدی بر آهن نشاندہ است. همان ریتم و کمپوزیسیون که فلاح با اشعارش در تابلوهایش به نمایش می‌گذارد، مجیدی با آهن و مفرغ مجسمه کرده است.

این نمایشگاه به همت گالری فردا، اینفوگالری سی‌ویکم این ماه در artgallery 7 برپا خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۴ تا ۲۱ به وقت محلی در استانبول به آدرس خیابان استقلال، خیابان سردار اکرام، شماره ۱۶ مراجعه کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۱۶-۸۶۰ تماس بگیرند.